

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۳۱ می ۲۰۱۵

## مجلس سیزدهم (در ترجیح آخرت بردنیا)

شبانگاه روزسه شنبه چهاردهم ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر قدس سره چنین فرمود:  
(یاغلام) آخرت را بردنیا برتری بده، تا سود کامل حاصل نمائی و اگر دنیا را بر آخرت ترجیح دادی زبان کلی خواهی دید. چگونه به چیزی مشغول می شوی که بدان مأمور نیستی؟ هرگاه به دنیا بی اعتناء باشی خداوند متعال در تمام امور تریاری می کند. و روزی پاک نصیبت می گرداند و همین که چیزی از روزی دنیا یافتی، برایت پربرکت می کند. انسان مؤمن فقط برای دنیا کوشش نمی کند، بلکه برای دنیا و آخرت تلاش و فعالیت می نماید، برای دنیا به قدر نیاز می کوشد و به اندازه توشه مسافری از آن بهره می گیرد، اما جاهل تمام هم و غمش دنیا و جمع آوری مال دنیا است. عارف تمام همتش را صرف اندوخته آخرت می کند، و تنها آرزومند دیدار مولا است.

هرگاه پاره ای نان به دست آوردی و در آن حال نفست باتو به منازعه پرداخت، کسی راه یاد آور که آن نان پاره را نیز ندارد. تا وقتی که بر نفست غلبه نکنی و او را مقهور خویش نگردانی، روی رستگاری را نخواهی دید.

راستان یک دیگر رامی شناسند، هریک بوی صدق معرفت دیگری را استشمام می کند.

ای کسی که از صدیقان روگردانی و از عبادت حق گریزان، تابه کی از حق می گریزی و به خلق روی می آوری؟ چه سودی از جانب خلق به تو می رسد؟ هیچ سود و زبانی در دست آنان نیست. هیچ تفاوتی میان آنان و سایر جمادات، درسود و زیان نیست. فرمانروای مطلق، واحد است. سود و زیان رسان، به حرکت آورنده و ساکن کننده، مسلط و چیره، بخشنده و و بازدارنده یکی است و خدای خلاق و رازق تمام موجودات است. اوست قدیم و ازلی و ابدی، که پیش از آفرینش کائنات و پدران و مادران و توانگران شما موجود بوده و باقی خواهد ماند. آفریدگار آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست. «أَنسَ كَمَثَلِهِ شَيْئٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

افسوس بر حال شما ای آفریدگان خدا، خدای خود را چنان که باید و شاید نشناخته اید. اگر من در روز قیامت از جانب خدا چیزی در اختیارم قرار گیرد، تمام بارگناهان شمارا، از اول تا آخر حمل می نمایم.

ای قارئی که صدای دل انگیز توحید را سر می دهی بدون اعتناء به آسمان و زمین بخوان.

هر آن عالمی که به علم خود عمل می کند، دری از رحمت خدا به روی او گشوده می شود که قلبش به آن وارد می شود. اما تو ای غافل عالمی هستی که به قیل و قال مدرسه فناعت کرده ای، و جمع مال دنیا از عمل به علمت غافل گردانیده است. ناچار جز صورتی ظاهری چیزی در دست نداری. هرگاه خداوند متعال خیر بنده ای را بخواهد، وی را بردانش اندوزی راغب می کند، سپس عمل به علم و اخلاص در عمل را نیز بدو الهام می کند، در نتیجه به خدا نزدیک می شود، و به وسیله علم دل آگاهی حاصل می کند، خدای او را برمی گزیند، همچنان که موسی علیه السلام را برگزید،

«**اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي**». برای خویشتن برگزیدمت- نه برای دیگری، نه برای شهوات و لذات دنیوی، نه برای آسمان و زمین، نه برای بهشت و دوزخ، نه برای مرگ و زندگی. هیچ چیز قادر نیست ترا از من بازگیرد و به غیرت مشغول دارد. صورت ظاهر مادیات بر تو حجاب نمی افکند و شهوات دنیا ترا از من بی نیاز نمی کند.

(یاغلام) به علت گناهی که مرتکب شده ای از بخشایش الهی ناامید مشو، بلکه نجاست از گناه را با آب توبه بشوی، و بر توبه ات ثابت قدم باش و اخلاص بورز و با بخور معرفت آن را خوشبوی گردان.

از این منزلی (دنیا) که درآنی بر حذر باش، چون اگر نیک دقت کنی پیرامونت درندگان زیادی وجود دارند و جانوران موذی قصدت را، پس هر چه زودتر بادل و جان به سوی حق برگردتا در امان باشی. از روی هوی و هوس و به فرمان شهوت روزی مخور. روزی قابل خوردن باید دوشاهد عادل داشته باشی، یکی کتاب خدا، دیگری سنت رسول او، سپس دوشاهد دیگر طلب کن، یکی دلت و دیگری فعل الله، یعنی هر چه خدا برایت مقرر کرد. مانند هیزم کش شب مباش، که نمی داند در اطرافش چیست. با بصارت کامل در راه خداگام بردار، و این امری نیست که به آسانی حاصل شود، بلکه جهت حصول آن باید دل آگاه باشی، و عمل صادقانه تأییدش نماید. کدام عمل پسندیده است؟ عملی که در آن لقاء الله منظور نظر باشد.

(یاغلام) سلامت در ترک سلامت است، توانگری در بی نیازی است و درمان در ترک درمان. تمام داروها عبارت است از تسلیم به خدا و تمام اسباب و وسائل را از دل بدر کردن، دوا در توحید و ستایش خداست. ستایش در دل نه بازبان، زهد و توحید در زبان فراهم نمی شوند، جای آنها در قلب و باطن است. تقوا و معرفت را جایگاه قلب است. آگاهی و معرفت الله و خدا دوستی، جملگی در قلب مکان دارند. عاقل باش و خود را گرفتار هوس و ظاهرسازی مکن. تو در کذب و نفاق و ریاء هستی، تمام کوششت جلب رضایت خلق است. بدان هر قدمی که جهت رضای خلق برمی داری گامی است از حق دور می کند. ادعا می کنی که طالب حقی، اما عملاً طالب خلق، مثل توبه سان کسی است که می گوید، می خواهم به مکه بروم، ولی به سوی خراسان حرکت می کند و در هر قدم از مکه دورتر می گردد. ادعا می کنی قلبت از خلق دور شده ولی عملت نمایانگر آنست که دست نیاز به سوی خلق داری، در ظاهر خود را به زهد می آرائی و در باطن راغب به مردم، ظاهرت نشان حق دارد و باطنت علامت خلق. این کاری است که با زبان آوری بسامان نمی رسد، این حالتی است که دنیا و آخرت و خلق در آن جای ندارند، جز ذات اقدس الهی، خدای واحد است و جز واحد قبول نمی کند، واحد شریک نمی پذیرد. مردم ناتوانند، به توسودی و زیانی نمی رسانند. خداوند متعال است که سود و زیان را به دست بندگان به مرحله عمل درمی آورد. فعل خداست که در تو و دیگران مؤثر است. قلم قدرت خداوند آنچه را که درباره تو و دیگران لازم دانسته، مقرر فرموده است.

موحدین و نیک رفتاران حجت خدا بر دیگرانند، از آنان کسانی است که به کلی از مادیات و عوارض آن کناره گرفته اند، و جز خدا چیزی را نمی بینند و نمی خواهند. کسی که بر این مقام احاطه حاصل کرد فرمانروائی دلها بدو داده می شود. اوست دلبر و پهلوان، دلبر کسی است که قلبش را ز ماسوای الله خالی کرده باشد و بر درگاه قلب خود باشمشیر بران توحید و تیغ کاری شرع ایستاده باشد، تاجز خدا کسی داخل آن نشود. و قلبش همواره مجموع و به یاد مقلب القلوب باشد.

شرع ظاهر را آراسته بین قیل و قال ظاهری قرار گرفته ای، از این که بگویی این حرام است و در عمل از آن شوی، چه چیز به دست می آوری، و این که بگویی این حلال است و در عمل از آن دوری کنی؟ تو گرفتار هوسی. به گفتار گهربار رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) گوش فراده که فرمود: «**وَيْلٌ لِلْجَاهِلِ مَرَّةً وَ لِلْعَالِمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ**»- (وای به حال نادان یکبار، اما وای به حال عالم هفت بار!). بر حال جاهل یکبار فرمود وای، چون جاهل نمی داند ولی بر حال عالم هفت بار فرمود، چون عالم می داند و عمل نمی کند، لذا برکت علم از او دور شده و وبال گردنش می گردد. علم بیاموز و بدان عمل کن، سپس از خلق ببر و به خالق بپیوند. هرگاه بدین مرحله رسیدی، به قرب و فنای در حق نایل خواهی شد. بعداً

چنانچه خداوند اراده فرماید، ترابه ظهور درمیان خلق امر می دهد و خود پشتیبانت خواهد شد تا روزی مقسوم رادریافت نمائی، زیرا علم خدای برحالت احاطه دارد. نسیم لطف خداوند بر دیوار خلوتت می ورزد و به میان خلقت می افکند، تا بدون خطر نفس زندگی کنی و دلت همواره با حق باشد، پس بشنو و عمل کن.

ای کسانی که در حق اولیای او اسائه ادب کرده و طعن می زنید، بحقیقت بدانید که، حق تنها و تنها خدای عزوجل است و شما بر باطل. حق دل پاک و باطن خالی از شهوات است و باطل هوی و هوس شیطانی که دلها را فرا گرفته است. دل تا به قرب حق نرسد رستگار نمی شود.

ای منافق، مزاحم مباش، چیزی بهتر از این (خصلت نفاق) نزد خویش نداری، تو بنده نان و شیرینی زندگی و لباس و اسب و قدرت هستی. اما دل صادق از مردم بریده و به سوی حق رهسپار است و در این سفر روحانی بسیار چیزها می بیند و از آن می گذرد.

علمائی که به علم خود عمل می کنند، ورثه و جانشینان انبیاء هستند و خلف صادق آنان که شهر دلها را به فرمان شرع آبادن می کنند، از خرابی آن جلوگیری می نمایند، و پاداش خود را روز قیامت در پیشگاه پروردگارشان می یابند. اما علم بی عمل را خداوند چنین مثل زده است: «كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» - (مانند الاغی است که بار کتاب حمل می کند). اسفار کتب علمی است، آیا اگر بالاغ کتابهای علمی باشد، از آنها سودی می برد؟ در دست اینگونه عالمان جز رنج و تعب چیز دیگری نیست. هر کس علمش فزونی یابد باید خوفش از خداوند بیشتر گردد، و در بندگی راسختر شود.

ای مدعی علم، کجاست گریه وزاری ات از خوف خدا؟ پرهیز و خویشنداری ات کو؟ کجاست اقرار به گناهان و اشتباهات؟ کجاست توجهت به روشنائی طاعت و دوری از تاریکی معصیت؟ ادب ذاتی تو کدام است؟ توجه و عنایت به خدا و مبارزه با شهوات راکی انجام داده ای؟ تمام فکرت حول لباس و عمامه و خوردن و آشامیدن و تولید نسل است. خانه و مغازه و نشست و برخاست ترا از خدا دور کرده است.

افکار خویش را ازین اباطیل بدور کن. اگر چیزی قسمت تو باشد، بدان به تو خواهد رسید. دلت را به رنج انتظار مال دنیا میازار، چرا این همه رنج را برای چیزی که باید از آن فارغ باشی تحمل می کنی؟ دل را به یاد خدا مشغول دار.

(یا غلام) خلوتت فاسد است، آنچه که ناپاک باشد، به صلاح نمی رسد تا تطهیر نشود. قلبت با توجه عملی می کند؟ اخلاص و توحید در قلبت به درستی جاگزین نشده است. ای خواب آلوده بیدار شو، ای گریخته از حق به سوی او برگرد. ای فراموشکاران دست از غفلت بردارید. ای کسی که ترک عبادت و بندگی گفته اید، باز گردید. ای جاهلان به شناخت و معرفت خدا و رسول خدا و پیشینیان صالح، بدانید شما مانند تراشه های چوب بی مصرف هستید.

پس درخواست نمائیم: «ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة، و قنا عذاب النار». آمین